

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

دکتر علی محمد رضایی هفتادار*

چکیده

ویس و رامین منظومه عاشقانه‌ای است که فخرالدین اسعدگرگانی در قرن پنجم هجری آن را سروده. این اثر از جهت سبک و بیان، قدیمی‌ترین منظومه عاشقانه‌ای است که به صورت کامل به دست ما رسیده است. ذهن خلاق فخرالدین اسعد در عرصه صورت‌گری، تخیل و الهام را با هنرنمایی‌های کلامی چنان در هم آمیخته که حالات عاطفی و نفسانی و برهان‌سازی‌های دشوار خود را عمدتاً در قالب عناصر تصویرساز تشبیه و استعاره جلوه‌گر ساخته است. هدف مقاله حاضر آن است که در حوزه تصویرگرایی و ابزارهای آن، منظومه ویس و رامین را در دو شاخه بیان و بعضی از صنایع پر کاربرد، مورد بررسی قرار دهد. فخرالدین اسعد برای این که تأثیر کلام و قدرت بیان خود را به مراتب بیشتر و عمیق‌تر سازد از هنرهای بیانی و برخی از صنایع بدیعی با توانمندی استفاده نموده، این پژوهش پس از بررسی منظومه ویس و رامین با روش آماری و سپس تحلیل‌گونه‌ای بر محتوای آن نشان می‌دهد که فخرالدین اسعد، ضمن بیشترین استفاده از هنر بیانی تشبیه در متن، تصویر را در خدمت موضوع غنایی و عاشقانه و بیان اندیشه‌های خود قرار داده است.

واژه‌های کلیدی

فخرالدین اسعد، ویس و رامین، تصویرگرایی، بیان و بدیع.

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۳

«تصویر» هرگونه کاربرد مجازی زبان است که شامل همه صناعات و تمهیدات بلاغی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، تمثیل، نماد، اغراق، مبالغه، تلمیح، اسطوره، اسناد مجازی، تشخیص، حس آمیزی، پارادکس و ... می‌شود. (فتوحی، ۱۳۸۶: ۴۱) با توجه به این‌که ایماژ یا خیال، عنصر اصلی در جوهر شعر است و تخیل بازگشتن به خیال و ایماژ است و بر روی هم، مجموعه آنچه را که در بلاغت اسلامی در علم بیان مطرح می‌کنند با تصرفاتی می‌توان موضوع و زمینه ایماژ دانست؛ زیرا مجاز و صور گوناگون آن و تشبیه، ارکان اصلی خیال شعری هستند و در شعر هر زبانی جوهر شعر، بازگشتن به همین مسئله بیان است و اهمیت بیان در هنر به طور کلی به حدی است که بعضی از محققان علم الجمال، مانند «کروچه» می‌گویند: «شهود عین درک زیبایی است و زیبایی صفت ذاتی اشیا نیست، بلکه در نفس بیننده است و او در اشیا آن را کشف می‌کند که در حقیقت می‌خواهد همان عقیده علمای بلاغت اسلامی را که طرفدار لفظ (یعنی شیوه بیان) بودند بازگو کند.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۵)

از آنجایی که هرکس در زندگی خاص خود تجربه‌های ویژه خود را دارد، طبعاً صورخیال او نیز دارای مشخصاتی است و شیوه خاصی دارد که ویژه خود اوست و نوع تصاویر هر شاعر صاحب اسلوب و صاحب شخصیتی بیش و کم اختصاصی اوست.

فنون یا صناعات ادبی، بخشی از شیوه‌های زیبایی آفرینی سخن هستند، یعنی بخشی از شگردهایی که زبان را به شعر تبدیل می‌کنند یا به گفته ساخت‌گرایان، در زبان نظام جدیدی به وجود می‌آورند و سبب آشنایی‌زدایی و غرابت آن می‌گردند. دستگاه بلاغی برجسته‌ترین و مهم‌ترین دستگاه زبان ادبی است که می‌توان روند آفرینش ادبی را در آن ملاحظه نمود.

بی‌شک قوه خیال، محلّ تکوین خلاقیت‌ها و عالم روح ناب است. عنصری است که قادر می‌سازد تا نیروهای ناشناخته و نهفته ضمیر ناخودآگاه خویش را به مرحله ظهور و تجلی برساند. شاعر مستعد و خلاق به کمک تخیل قوی، به افق‌های تازه‌ای از زبان و اندیشه دست می‌یابد که می‌تواند مقاصد و آلام و آمال خود را در آن عرضه نماید به همین جهت امروزه

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی ❏ ۱۳۱

همه منتقدان ادبی، خیال را خمیرمایه و عنصر اصلی شعر می‌دانند و معتقدند که در پرتو خیال می‌توان شاعرانه بیان کرد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۲۱)

شاعر برای این‌که بتواند حاصل افکار و عواطف خویش را آشکار کند، سعی دارد به این افکار و احساسات خود و جهان مادی ارتباط برقرار کند تا یافته‌هایش را برای دیگران ابراز کند به همین دلیل، تصویر یکی از عوامل مهم در جهت شناخت شخصیت روحی و روانی شاعر است. چرا که شعر حاصل تجربه شاعر است و از اراده شاعر ناشی نمی‌گردد، بلکه یک رویداد روحی است که به صورت ناخودآگاه در ضمیر او انعکاس می‌یابد. (همان: ۲۱)

تصویر و تخیل حاصل تفکر خلاق و ذهن تلاش‌گر شاعر است و برای شاعر و شعر او به عنوان یک عنصر سازنده و ثابت و حتمی است. گزاره‌های تصویر برای شاعر، همانند ابزار صورت‌گری برای نقاش است. از این باب است که «دی لوییس» شاعر انگلیسی می‌گوید: «این واژه در شعر یک عنصر ثابت است.» (همان: ۸)

یکی از نظریه‌پردازان ادبیات اروپایی، درباره‌ی ایماژ یا تصویر، معتقد است که ایماژ یک جزء عینی و واقعی و محسوس است که بر همه حواس ظاهری خواننده تأثیر می‌گذارد. یک شاعر خوب از ایماژ صرفاً برای آراستن اشعارش بهره نمی‌گیرد؛ بلکه تصویرگری او را قادر می‌سازد تا موضوعش را همان طوری که هست بیان کند. (همایی، ۱۳۷۰: ۲۵)

مسایل بلاغت و سحرکاری سخن، نه چنان است که مثل یک حقیقت علمی ملموس، در دسترس همگان باشد. «حتی کسانی مثل کانت، زیبایی را فاقد موضوع خاص دانسته و فقط آن را از دور، قابل تصور دانسته‌اند؛ چرا که حقیقت جمال ادبی چیزی است که با جان آدمی آشنایی و با دل او پیوند دیرگسل دارد. (تجلیل، ۱۳۸۷: ۱۱۱)

محمد‌رضا شفیع کدکنی، با اشاره به این‌که فخرالدین اسعد یکی از قوی‌ترین گویندگان شعر فارسی از نظر نوع تصاویر شعری است، مهم‌ترین خصوصیت برجسته تصاویر شعر او را کوشش وی در راه مادی کردن بسیاری از معانی و حالات می‌داند. در مجموع همین ملموس بودن تصویرها و تعبیرهاست که بر لطف سخن شاعر افزوده و آن را مورد توجه گویندگان پس از خود قرار داده است.

۱۳۲ بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

توانمندی فخرالدین اسعد سبب شده است تا وی بتواند تصاویر زیبای بلاغی در شعر خود بیافریند. وی در منظومه ویس و رامین از هنرهای بیانی و بدیع در راه القای اندیشه‌های خود بهره برده است که البته کمیت و چگونگی استفاده از این صنایع نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌های ویس و رامین از جهت سبک و بیان مضامین غنایی در حوزه توصیف و تصویرگری، استفاده از ابزارهای آن است. زیرا این عناصر، وسیله‌ای است برای ملموس‌تر و محسوس‌تر کردن صحنه‌های متنوع و مختلفی که در جریان شعر غنایی روی می‌دهد و به عنوان یکی از معیارهای سنجش کیفی اثر عاشقانه به شمار می‌آید. در شعر غنایی، توصیفات و تصاویر، با استفاده از ابزارهای خاصی از قبیل تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و اغراق نمایانده می‌شوند.

پیشینه تحقیق

علی‌رغم جایگاه رفیعی که منظومه ویس و رامین در گستره ادب فارسی دارد، پژوهش‌های چندانی پیرامون تصویر آفرینی فخرالدین اسعد در ویس و رامین صورت نگرفته است. پیش‌تر پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «نقد و تحلیل ویس و رامین» از الهه عظیمی یانچشمه در دانشگاه یزد (۱۳۸۶) نوشته شده و نویسنده به نقد و تحلیل محتوا و درون مایه منظومه ویس و رامین پرداخته است. طبق جستجو در بانک مقالات و سایت‌های اینترنتی، چند مقاله و کتاب به طور مستقیم و غیر مستقیم در خصوص این منظومه تألیف شده است که البته هیچ یک از آن‌ها به طور مستقیم به موضوع تصویرسازی در منظومه ویس و رامین نپرداخته‌اند؛ بنا بر این، این مقاله در مقایسه با پژوهش‌های انجام شده، پژوهشی جامع و کامل می‌باشد.

توصیف

منظومه ویس و رامین از داستان‌های روزگار اشکانیان است که فخرالدین اسعدگرگانی از

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی □ ۱۳۳

شاعران بزرگ سبک خراسانی آن را به نظم درآورده است. علاوه بر به کارگیری انواع صورخیال با تصویرآفرینی‌های متنوع در شعر خود، به آفرینش سبکی فاخر و هنری دست یازیده که در بردارنده نهایت مهارت و استادی شاعر به این شگرد شاعرانه است. اثر وی در حوزه تصویرگرایی و توصیف و ابزارهای متنوع آن که از ویژگی‌های ذاتی شعر حماسی است، قابل بررسی است، به این سبب در ابتدا با نگاه کوتاهی به وصف و تصویر و تأثیر آن در این منظومه می‌پردازیم.

وصف عاملی مهم در شعر برای کمال بخشیدن به آن، همواره مورد توجه شاعران بوده است، وصف در حقیقت ترسیم نمودن محسوسات و مشهودات است.

توصیفات و تصویر آفرینی «فخرالدین اسعد» نه تنها جهت تقویت جنبه هنری شعرش بلکه برای القای حالت‌ها نمایش صحنه‌ها و تمام جوانب زندگی است. اعم از محسوسات و معقولات. همین خصوصیت باعث زنده و مجسم شدن تصاویر شعری او می‌شود. آن‌گاه که اولین بار «ویس» به تحریک دایه بر رامین عاشق می‌شود فخرالدین اسعد بسیار دقیق حالات وی را وصف می‌کند:

وفا چون صبح در جاننش اثر کرد و از پس روز مهرش سر بر آورد
بشد در پاسخش چیره زبانی که بودش خاموشی هم داستانی
همی پیچید سر را بر بهانه گهی دیدی زمین گه آسمانه
رخش از شرم هم چون چشمه آب چکان زوخوی چو مروارید خوشاب

(همان: ۱۲۰)

«فخرالدین اسعد» در قیاس با شاعران مدیحه سرای پیش و هم عصر خود از نظر تنوع تصاویر شعری از شاعران رده اول محسوب می‌شود. دلیل صحت این ادعا را باید در گستره مضامین و مفاهیم شعری شاعران آن دوره جستجو کرد. با توجه به محدودیت مضامین شعری و مدیحه سرایان که در دو محور ستایش ممدوح و وصف طبیعت است. شعر فخرالدین اسعد دارای مضامین متنوع و گوناگون است. (شفیعی کدکنی: ۴۶۵)

۱۳۴ بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

این تنوع مضامین شعری وی، نتیجه و مقتضای حال و مقام و جایگاه‌های مختلف شعری اوست که به تبع آن، تصاویر شعری او نیز متنوع و گوناگون شده است. تصاویر شعری فخرالدین اسعد هم‌چون شاعران نخستین سبک خراسانی مادی و حسی است و تشبیهات و استعارات او اغلب از امور حسی و طبیعی گرفته شده است و از جمله شاعرانی است که سعی در مادی کردن عناصر انتزاعی و تجریدی دارد. حال آن‌که شاعران هم دوره وی در انتزاعی کردن عناصر مادی می‌کوشند او بسیاری از حالات روحی و روانی را به قالب حس و مادیت در می‌آورد و به آنها جسمیت و عینیت می‌بخشد. خصوصیت مادی بودن تصاویر شعر فخرالدین اسعد باعث زنده و ملموس شدن تصاویر شعری می‌شود و مضامین درونی و حالات پیچیده انتزاعی را به عینیت در می‌آورد. مثلاً در وصف زیبایی ویس او را به بخت و کامرانی و همین‌طور جان و زندگانی تشبیه می‌کند که همه عوامل تشبیه از امور ذهنی و غیر محسوس هستند:

به خوبی هم‌چو بخت و کامرانی ز خوبی هم‌چو جان و زندگانی

(همان: ۱۰۷)

توصیفات فخرالدین اسعد به گونه‌ای است که اجزای آن عمدتاً از پدیده‌های طبیعی گرفته شده است، برای نمونه در توصیف شب می‌گویند:

شبی تاریک هم‌چون جان مهجور ز مشکین ابر او بارنده کافور

(همان: ۱۰۷)

گاه توصیفات شعری وی از عناصر خیال از قبیل تشبیه، استعاره، تناسب و اغراق بهره می‌برد که این‌گونه توصیفات نیز بیان‌گر توانمندی شاعر است. فخرالدین اسعد در اوایل داستان هنگامی که می‌خواهد جمال و زیبایی ویس را به وصف بکشد، اگرچه سخن به اطناب می‌کشد اما باز از حسن توصیف‌گری او چیزی کاسته نمی‌شود به این دلیل که راوی برای اولین بار می‌خواهد ویس را که شخصیت اول داستان است با ذکر تمام جزئیات و زیبایی‌های جمال و قد و قامت او، به تصویر بکشد:

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی ❏ ۱۳۵

چو قامت برکشید آن سرو آزاد که بودش تن ز سیم و دل ز فولاد
خورد از روی وی خیره بماندی ندانستی که آن بت را چه خواندی
گهی گفتی که این باغ و بهارست که در وی لاله‌های آبدارست
(همان: ۴۸)

یکی دیگر از موارد قابل توجه، به تصویر کشیدن صفات برجسته قهرمانان به همراه تشبیه است. واضح است که بیش‌ترین بسامد تصویر شعری در منظومه عاشقانه ویس و رامین از آن توصیفات صوری اشخاص و قهرمانان داستان است. در درجه اول وصف جمال و ظاهر دلدادگان در درجه بعدی توصیف ظاهری دیگر اشخاص داستان در این محدوده می‌گنجد. شاعر چهره ویس را در دلربایی و شورانگیزی به فتنه تشبیه می‌کند و به اصطلاح ویس را فتنه مجسم می‌نامد:

گل ار چه سخت نیکو بود و پر بار رخ رامین نکوتر بود صمدبار
هنوزش بود سیمین دو بناگوش نگشته سیمش از سیل سیه پوش
(همان: ۱۰۷)

منظومه ویس رامین یک منظومه صد در صد غنایی است و همه وقایع داستان در خدمت پیشبرد مسایل عاشقانه و غنایی قرار دارد. اگر چه در یکی دو جا جنگی به وقوع می‌پیوندد اما همین موارد معدود نیز هدفی جز پیشبرد مسایل عاشقانه ندارند، زیرا که اگر پای عشق و عاشقی به میان نکشیده بود، هرگز جنگی رخ نمی‌داد. در شرح جنگ‌هایی که بین شاه موبد و ویرو بر سر تصاحب ویس رخ می‌دهد شایسته بود که شاعر بنا بر مقتضای حال و مقام کلام که وصف جنگ و میدان رزم است از توصیفات متناسب با این مقام بهره می‌جست حال آن‌که او به همان شیوه معمول خود در اینجا نیز صنعت‌گری کرده است.

چو از خاور برآمد اختران شاه شهی کش مه وزیرست آسمان گاه
وزان سو شاه موبد هم بدین سان سپاه آراست هم چون باغ نیسان

۱۳۶ بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

نه کوس جنگ بود آن دیو کین بود که پرکین گشت هرک آن بانگ بشنود
عدیل صور شد نای دمنده تییره مرده را می کرد زنده
(همان: ۶۳)

در ادامه با توجه به این که این تصاویر با تشبیه، استعاره، کنایه و برخی دیگر از فنون ادبی جلوه گری می کند به بررسی جلوه‌هایی از آن در ویس و رامین می پردازیم.

بیان

تشبیه کانون اصلی ورزیدنی‌ها یا هنرهای ادبی و تخیلی است که ناشی از پیوند پندارانه سخنور بین عناصر ذهنی و عینی با عناصر عقلی است. «تشبیه هسته اصلی و مرکزی خیال‌های شاعرانه است. صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا و عناصر مختلف کشف می کند و به صورت‌های مختلف به بیان در می آید. (پور نامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴)

یکی از جلوه‌های برجسته فسون کاری‌ها و تصویرآفرینی‌های فخرالدین اسعد، استفاده از هنر تشبیه است که رایج‌ترین قالب نمودن مفاهیم دشوار و ناگشودنی است. وی تقریباً همه گونه‌های تشبیه را در منظومه خود به کار برده است.

فخرالدین اسعد در تقسیم‌بندی تشبیه از نظر عقلی یا حسی بودن طرفین، تشبیه محسوس به محسوس را در صدر تشبیهات خود به کار برده است. در تقسیم بندی تشبیه از نظر افراد و ترکیب طرفین، تشبیه مفرد به مفرد در شعر او بیشتر دیده می شود.

گاهی چون رنگ بود در کوهساران گاهی چون شیر بود در مرغزاران
(همان: ۲۰۸)

فخرالدین اسعد در بیت فوق ویس یک بار به رنگ (بز کوهی) و بار دیگر به شیر در مرغزار تشبیه کرده است که در هر دو تشبیه، مشبه و مشبه به، از حسی است.

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی ۱۳۷

نشسته ویس چون خورشید بر تخت هم از خوبی به آزادی هم از بخت

(همان: ۲۰۸)

که در بیت تمامی ارکان تشبیه ذکر شده است.

تشبیه

از دیگر تشبیهات شگرف و والای فخرالدین اسعد، نمایش هیئت سکون و طرز قرار گرفتن عناصر و اجزای یک پدیده در کنار یکدیگر است که پیداست در این گونه تشبیه، یک چیز به یک چیز مانند نشده بلکه اجزای مرکب، با حالت و هیأت مخصوص، به وضعیت همانندی تشکیل گردیده و درجه ابداع و معماری تشبیه در آن هنری تر و والاتر است. مثلاً در نمونه‌های زیر:

همی شد خویش از اندام سیمین چو ریزان باده از جام بلورین

(همان: ۱۹۹)

در این بیت، حالت ریزش خون از اندام سفید ویس به ریزش شراب از جام بلورین، تشبیه شده است. شاعر با تشبیهات مرکب تصاویر زیبایی را در ذهن خواننده مجسم می‌کند.

در تشبیهات فخرالدین اسعد، اغراق، ایجاز و خیال‌انگیزی می‌توان دید. با بهره بردن از تشبیه در بیت زیر شاعر توصیف خود را با اغراقی شاعرانه همراه کرده است:

بگیریم تا کنم هامون چو دریا بنالم تا کنم چون سرمه خارا

(همان: ۲۷۳)

فخرالدین اسعد در منظومه خود از تشبیه بلیغ نیز بهره برده است و از آنجا که در این نوع تشبیه، ادات و وجه شبه حذف می‌شود، تشبیهات وی موجز و زیباست.

گل کافور رنگ مشک بویی بست شمشاد قد لاله‌رویی

(همان: ۱۲۷)

ترکیبات شمشاد قد و لاله روی، تشبیه بلیغ اضافی است و شاعر با به کار بردن واژه‌هایی هم‌چون کافور، مشک و لاله تناسب زیبایی ساخته است.

۱۳۸ بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

اکثر تشبیهاتی که فخرالدین اسعد کلام خود را به آنها آراسته، در زمان شاعر بی سابقه و نادر بوده است و ناقدان و سخن شناسان قدیم نیز به این ویژگی ادبی شاعر آگاه و معترف بودند. هم چنان که محمد عوفی می گویند: «و آنچه از غرر اوصاف و درر تشبیهات در آنجا ایراد کرده است مقومان میر افاضل از تقویم آن عاجزند و جوهریان صنعت از ترصیع معارضه آن قاصر». (محمد عوفی، ۱۳۶۱: ۲۴۰)

بیشتر صور خیال در منظومه او طبیعی و زاییده ذهن و طبع اوست و کمتر به تقلید از گذشتگان می پردازد. برخی توصیفات و تشبیهاتش ظاهراً ابداعی خود اوست و سابقه ای نزد شعرای گذشته و حتی گاهی شاعران هم عصر او ندارد. (فروزانفر، ۱۳۵۰: ۳۶۲)

به بانگ کوس کین آمده همیدون ز لشکر گه بهار جنگ بیرون
(همان: ۶۳)

که ابداع و ابتکار فخرالدین اسعد در ترکیب «بهار جنگ» است.

و در تشبیه شب، این تازگی، بی سابقه است:

سیه چون اندوه و تازان چو امید فروهشته چو پرده پیش خورشید
(همان: ۸۸)

تشبیه آتش به سرو بسدین یعنی سروی که از جنس بسد و مرجان سرخ رنگ باشد تشبیه بدیعی است.

یکی آتش از آتشگاه خانه چو سرو بسدین او را زیانه
(همان: ۲۵۴)

تشبیه شب و سیاهی آن به جوانی (به احتمال قوی به رنگ موها در ایام جوانی که سیاه است) تشبیه بدیع و ساختگی خود فخرالدین اسعد است.

شبی رنگش سیه هم چون جوانی به رامین داد کام جاودانی
(همان: ۵۱۲)

تشبیه لب، به لب طوطی و چشم به چشم گاو میش، ظاهراً بی سابقه است.

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی ❏ ۱۳۹

تشبیه در کلام فخرالدین اسعد زمانی به اوج خود می‌رسد که هریک از ارکان تشبیه نوعی جنبش و عظمت را به تصویر می‌کشد. با توجه به این که ویس و رامین یک اثر غنایی است، اجزایی که در تشبیهات شاعر به کار رفته است از پدیده های طبیعی هم‌چون کوه، آسمان و... و موجوداتی مانند طوطی، گاو میش و... شکل می‌گیرد. فخرالدین اسعد با خوارق عادات از مفاهیم موهوم خیالی در عناصر تصویری شعرش یاری می‌طلبد و با آوردن مفاهیم محسوس سعی می‌کند آن را مادی سازد.

استعاره

استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و ابزار نقاشی کلام است و زبان شعری را بسیار قوی‌تر و رساتر کرده و برد کلام را ارتقا می‌دهد. گونه‌های استعاره در شعر فخرالدین اسعد عموماً برخاسته از پدیده‌های جهان طبیعت و محسوس و ملموس است.

چو خورشیدی سر از بالین برآورد زعنبر سلسله بر گل بگسترده

(همان: ۱۰۶)

بگفت این و ز نرگس اشک چون مل فروباری—دبر دوخ—رمن گل

(همان: ۱۱۳)

منظور از عنبر، زلف و گل، چهره است و مراد از نرگس، چشم و دو خرمن گل، دو گونه است. در متن ویس و رامین، کاربرد استعاره به نسبت تشبیه کمتر است و به گونه‌ای است که معمولاً شناختن ارتباط میان اجزای آن پیچیده نیست.

در شعر فخرالدین اسعد نیز زیبایی‌های فراوانی از رهگذر استعاره به تصویر کشیده و خلق شده است. زیرا شاعر از میان تقسیمات استعاره از تشخیص به لحاظ کمیّت و کیفیت بیشتر استفاده کرده است. تمامی این موارد بیانگر ذهن سیال و آفرینشگر فخرالدین اسعد است.

بر آتش روی اندیشه همی شست وصال دوست را در چاره می‌جست

(همان: ۱۸۷)

۱۴۰ بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

استعاره مکنیه همراه با تشخیص در روی اندیشه در بیت فوق به کار رفته است.

گاه استعاره شعری فخرالدین اسعد در مظاهر طبیعت جلوه گر می شود:

ز شادی شان همی خندید لاله به دست اندرش یاقوتین پیاله

(همان: ۲۱۳)

خندیدن لاله، استعاره و جاندار انگاریست.

در تقسیمات استعاره به اعتبار مستعارمنه، استعاره مصرّحه را می توان در شعر فخرالدین

اسعد دید:

بدید آن سیمتن سـرو روان را بست خندان و ماه بانوان را

(همان: ۴۵)

سرو در این بیت استعاره مصرّحه از شهرو است. یا در بیت زیر شاعر می خواهد بگوید

وقتی خورشید از سمت مشرق طلوع کرد صدای طبل های جنگی از دو سپاه بلند شد.

چو از خاور برآمد اختران شاه شهی کش مه وزیرست آسمان گاه

دو کوس کین بغرید از دو درگاه به جنگ آمد دولشکر پیش دو شاه

(همان: ۶۳)

گاه استعاره به مقتضای زبان، با لغات حماسی همراه می شود:

به قلب اندر دهل فریادخوانان که بشتابید هین ای جان ستانان

(همان: ۶۳)

قلب به معنی مرکز سپاه و دهل، طبل بزرگ جنگی است؛ فریادخواندن دهل، استعاره و

جاندار انگاریست.

برخی از استعاره های به کار رفته در شعر فخرالدین اسعد آن است که در زبان ادبی کاربرد

تکراری و ثابتی یافته است، مانند:

به سان سی و دو گوهر در فشان که بشتابید هین ای جان ستانان

(همان: ۶۳)

□ فصلنامه زیبایی شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی ❏ ۱۴۱

سی و دوگوهر، استعاره رایج در زبان و ادب فارسی است و گاه به اقتضای سخن استعاره‌هایی که قبل از آن به صورت تشبیه به کار رفته است و سپس به گونه استعاره در می‌آید.

فخرالدین اسعد در بیان عبرت و اعتبار می‌گوید:

تو دانی کاین جهان روزی سرآید وزو رفته جهانی دیگر آید
بدین یک روزه کام این جهانی مخر تیمار و درد جاودانی
بدین سان پشت بر یزدان مکن پاک مگو بر کام اهریمن سخن پاک

(همان: ۷۵)

یا در جایی دیگر می‌گوید:

سرایی را که در وی یک زمانیم درو جویسای سراز جاودانیم
چرا خوانیم گیتی را نمونه چو ما داریم طبع واشگونه

(همان: ۳۷۲)

در بیت فوق، سرای، استعاره مصرحه از دنیا است و شاعر درین بیت هنر خود را نشان داده که چگونه توانسته است میان اشیا و عناصر به ظاهر بی‌ارتباط و متنوع پیوند ایجاد کند؛ ارتباطی که با هیچ دید و توانی جز دید و توان شاعر دریافت نمی‌شود. به عبارت دیگر هسته مرکزی خیال‌های شاعرانه تشبیه است.

با توجه به ابیات مذکور باید گفت، تصاویر استعاری ویس و رامین اغلب از عناصر طبیعی مایه گرفته است و به گونه‌ای نیست که مانع درک ارتباط معنایی میان اجزا شود و فخرالدین اسعد در ویس و رامین تصاویر استعاری را در خدمت بیان مفاهیم غنایی به کار برده است.

کنایه

استفاده از مثال در شعر فخرالدین اسعد زیرساخت بسیاری از انواع کنایه‌ها را تشکیل می‌دهد که می‌توان به میزان بهره بردن و از این آرایه پی برد. کنایات ویس و رامین به اعتباری مکنی‌عنه بیشتر کنایه از مصدر است.

۱۴۲ بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

ترا بر اسپ تازی چون نشانم به چشم دشمنان بر، چون دوانم

(همان: ۱۰۵)

در مصراع اول، کسی را بر اسپ نشاندن، کنایه از «کسی را به سروری و پیروزی و کام دل رساندن» است.

بخش بزرگی از این کنایه‌های ویس و رامین، همان کنایاتی هستند که در شعر پیشینیان مورد استفاده قرار گرفته است.

نشاید باد را در بر گرفتن نه دریا را به مشتی بر گرفتن

(همان: ۱۱۲)

«باد را در بر گرفتن» و «دریا را با مشتی بر گرفتن»، هر دو کنایه از کار بیهوده کردن است.

در سفارش به توحید و یکتا پرستی و عبرت گرفتن از جهان فانی می‌گوید:

خداوندی که ما را دو جهان داد یکی فانی و دیگر جاودان داد

خنک آن کس که او را یار گیرد ز فرمان بردنش مقدار گیرد

(همان: ۳۷۳)

در ویس و رامین به کنایاتی بر می‌خوریم که ریشه در آداب و رسوم و فرهنگ مردم دارد و بازتاب رفتارهای فردی و اجتماعی آنان است. کنایاتی که گویای این زندگی هستند و رنگ و عادت به خود گرفته‌اند.

دیده پر خون داشتن، کنایه از گریان بودن است.

دو چشم من چنین پتیاره دیده چرا پر خون ندارم هر دو دیده

(همان: ۲۲۳)

کمر بستن، کنایه از آماده شدن.

کمرها بسته افسر بر نهاده پرستش را به پیشش ایستاده

(همان: ۵۱)

فخرالدین اسعد با استفاده از کنایه مفاهیم را به صورت نقاشی به تصویر می‌کشد.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۱ ❖ پاییز ۱۳۹۸

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی □ ۱۴۳

مرا گرموی بر ناخن برستی دل من این گمان بر تو نبستی

(همان: ۵۱)

مجاز

اسنادهای مجازی شعر فخرالدین اسعد اگرچه در مقایسه با سایر هنرهای بیانی درصد کمتری را به خود اختصاص می‌دهد اما بر زیبایی و لطف سخنش می‌افزاید به خصوص که این اسنادها در بعضی از ابیات با همراه شدن دیگر صنایع، تصاویری بدیع می‌آفرینند.

به صحرا رفت روزی با سواران جهان چون نقش چین و نوبهاران

(همان: ۱۰۵)

در ابیات فوق جهان مجاز کل از جز، به معنی ایران است.

در ادبیات فارسی، واژه ماه بیشتر مظهر زیبایی و روشنی و نمونه علو و بلندی است و در ارتباط با این مفاهیم است که کنایات و استعارات و ترکیبات زیبایی به وسیله شاعران به تصویر کشیده شده است. در این بیت، شاعر واژه ماه را مجاز از ویس دانسته است.

رسولی آمد از پیش شهنشاه پیام آورد ازو نزدیک آن ماه

(همان: ۶۹)

بدیع معنوی

اغراق

اغراق و مبالغه مانند تناسب و مراعات نظیر، یا تشبیه جزء ذات سخن ادبی است و کمتر اتفاق می‌افتد که سخن ادبی نظم و نثر از این نوع صنایع خالی باشد. مخصوصاً مبالغه و اغراق در اثر حماسی، ارزشی بسیار بالایی دارد. مبالغه و اغراق جزو ذات آثار حماسی است و به عبارت دیگر از مختصات آثار حماسی محسوب می‌شود. در حماسه، قهرمان، فردی مافوق

۱۴۴ بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

بشری است و از این رو رفتار و کردار او غیر طبیعی است. مبالغه علاوه بر آثار حماسی در اشعار غنایی هم فراوان دیده می‌شود. در شعر غنایی و عرفانی نیز آن جا سخن از قهرمانان اساطیری است با همین اغراق و مبالغه مواجهیم. (شمیسا، ۷۷)

در ساختمان حماسه، مبالغه نیرومندترین عنصر خیال شاعرانه است و مبالغه در کلام فخرالدین اسعد به گونه ای است که نیز دیده می‌شود و به شعرش صلابت و پویایی می‌بخشد و شاعر برای هرچه باشکوه‌تر جلوه دادن قهرمانان داستان خود، از تصاویر آمیخته با اغراق بهره می‌گیرد.

بگیریم تا کنم هامون چو دریا بنالم تا کنم چون سرمه خارا

(همان: ۲۷۳)

که با اغراقی زیبا، گریستن و اشک ریختن خود را باعث پدید آمدن دریا در خشکی می‌شود. معمولاً در شعر غنایی، اغراق مبتنی بر تشبیه و اسناد مجازی است و فخرالدین اسعد با به کاربردن اغراق در منظومه ویس و رامین، با تخیل قوی خود به شعرش حیات و حرکت می‌دهد و در موضوعات غنایی، شعرش، به خوبی از عنصر اغراق بهره می‌برد.

به گونه اشک خون چندان براندی که از خون پای او در گل بماندی

(همان: ۹۵)

در بیت زیر می‌گویید، اگر «ویس» شیرین لقا، چهره خود را در آب شور بشوید، نیشکر از آب می‌روید و اگر لب سرخش را بر کهربای زرد بگذارد تبدیل به یاقوت می‌شود.

وگر رخ را در آب شور شستی زیبرامش نی شکر برستی

وگر بر کهربا لب را بسودی به ساعت کهربا یاقوت بودی

(همان: ۹۵)

توضیح این‌که توصیف‌هایی غلو آمیز و گاه پیچیده و دشوار از ویس و دیگر شخصیت‌های داستان، همگی برگرفته از غلوهای ایرانی بعد از اسلام است و گرنه آنچه مربوط به فرهنگ ایران باستان است همگی حکایت از سادگی و طبیعی و روان بودن کلام دارد. (اسلامی ندوشن، ۳۰۱)

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی ❏ ۱۴۵

چنان از حسرت دل برکشم آه کجاره گم کند بر آسمان ماه
ز بس کز دل کشم آه جهان سوز ز خاور بر نیارد آمدن روز
(همان: ۲۷۹)

فخرالدین اسعد، در این ابیات با اغراقی زیبا شدت غم و اندوه را بیان کرده و می‌گوید اگر من آه سوزناک از سینه برکشم ماه آسمان مسیر حرکت خود را گم می‌کند.

لف و نشر

در منظومه ویس و رامین به لف و نشر اهتمام قابل توجهی شده است. در بیت زیر آمده:
یکایک را ز زر نساب و گوهر کمرها بر میان و تاج بر سر
(همان: ۳۷)

«زَر نَاب» و «گوهر»، «لف» هستند و «کمر» و «تاج»، «نشر». بدین ترتیب «کمر زرین» و «تاج گوهرین» این رابطه را شکل می‌دهد.

در داستان «دیدن ویس، رامین را و عاشق شدن بر او» آمده است:
ستنبه دیو مهر آمد به جنگش بزد بر دلش زهر آلوده چنگش
ربود و برد و بستردش بدان چنگ زجان هوش وز دل صبر و زرخ رنگ
(همان: ۹۸)

لف و نشر بین افعال در مصراع اول از بیت دوم و کلمات «هوش»، «صبر» و «رنگ» از مصراع دوم همان بیت است.

مراعات نظیر

آوردن واژه‌هایی از یک دسته است که با هم هماهنگی دارند. این هماهنگی می‌تواند از نظر جنس، مکان، زمان و یا همراهی باشد. مراعات نظیر سبب تداعی معانی می‌شود و پرکاربردترین آرایه در زبان فارسی است.
بسا آه‌و که دیدم مرغ‌زاری خروشان پیش وی شیر شکاری

(همان: ۱۷۵)

که در بیت بال، آهو، مرغزار و شیر شکاری با هم تناسب دارند.
چو طوفان از مژه بارید باران بشست از روی زردش گگرد هجران

(همان: ۱۸۰)

در بیت فوق، فخرالدین اسعد، با عناصر طبیعی، هم‌چون طوفان، باریدن، باران و شستن، تناسبی زیبا برای به تصویر کشیدن فضای عاشقانه و هجران، ساخته است.

بدیع لفظی

جناس

جناس یکی از آلات فصاحت در کلام است به معنی استعمال الفاظ مانند هم و مجانس به الفاظی اطلاق می‌شود که در ظاهر واحد اما در معنی مختلف و متفاوت باشد که انواعی دارد.

(شمس قیس، ۱۳۳۸: ۳۴۰)

در شعر زیر انواع جناس دیده می‌شود.

کنون رو موبد فرتوت را گوی به میدان در میفگن با بلا گوی

(همان: ۷۰)

گوی به معنی «بگو» و «گوی» که از آلات چوگان بازی است، جناس تام است.
یکی ساعت که باشم جفت این ماه نشسته شادمان در کشور ماه

(همان: ۲۴۷)

«ماه» اول به معنای زیبا روی به کار رفته و «ماه» دوم نام کشوری است.
غمش بر غم فزود و درد بر درد نشستن گگرد هجران بر رخ زرد

(همان: ۱۸۰)

جناس ناقص اختلافی بین درد و زرد.

تکرار و واج آرابی

یکی از عوامل موسیقایی شعر به هماهنگی‌های صوتی آن بر می‌گردد و اگرچه در کتب قدیم معانی و بیان اشاره‌ای به نقشه این عامل نشده اما این تکرار تا حدود زیادی بار موسیقایی شعر را بر دوش می‌کشد. تکرار یک کلمه در طول بیت یا شعر می‌تواند تا حدود زیادی بار معنایی و مفهوم بیت را بر دوش بکشد، چون باعث تأکید بر معنای خاص می‌شود اما تکرار واج‌ها معمولاً در ایجاد موسیقی و هارمونی شنیداری مؤثر است و به جز در موارد اندکی قادر به انتقال معانی و مفاهیم شعری نیستند.

دلش تنگ و دهان تنگ و میان تنگ ز دلتنگی شده بر روی جهان تنگ

(همان: ۱۲۱)

تکرار واژه تنگ در بیت به گونه‌ای است که نه تنها بر موسیقی درونی شعر افزوده بلکه تأثیر سخن را نیز بیشتر ساخته است.

بسه بسیاری بلا او را بیبایی چو یایی با بلای او نبایی

(همان: ۷۳)

که تکرار صامت «ب» در بیت فوق سبب موسیقی و زیبایی بیت شده است.

گاهی شاعر با آوردن چند صنعت ادبی در یک بیت بر لطف و زیبایی سخنش می‌افزاید.

برای نمونه:

منم گل برگ گل بوی گل اندام گل‌م چهره گل‌م گونه گل‌م نام

(همان: ۲۳۶)

در مصراع «منم گل برگ گل بوی گل اندام» علاوه بر آرایه تکرار، آرایه تشبیه، در «منم گل

برگ» و آرایه تنسيق الصفات وجود دارد. و در بیت آرایه تناسب بین واژه‌های اندام، چهره،

گونه وجود دارد.

فخرالدین اسعد، تقریباً با به کارگیری تمام شگردهای عناصر خیال انگیز تشبیه و استعاره به خلق تصاویر بکر و بدیع با مضامینی تازه و خلاقانه توفیق یافته است. در بررسی تصاویر شعری او می‌توان دریافت که:

- پیوند طبیعت بی‌جان و انسان، چیزی است که تصاویر شعری فخرالدین اسعد را زنده و پویا ساخته در اغلب استعاره‌های او طبیعت به صورت تشخیص نمود یافته است.

- طرح کلی و ترکیب سازنده اجزای تصویرها و عناصر خیال شاعرانه او با یکدیگر، در محور عمودی خیال، تناسب و سازگاری دارند. او در این زمینه، بیشتر از طبیعت محسوس و مادی کمک می‌گیرد. چون در نظام طبیعت هماهنگی و ترتیبی خاص وجود دارد. به همین دلیل، بسامد تصاویر مجرد و انتزاعی در اشعار او ناچیز است. شعر فخرالدین اسعد از نظر توجه به طبیعت، شعری آفاقی و برون‌گرا و هدفمند با تصاویر ساده و ملموس است. زیرا دید شاعر بیشتر در سطح اشیا جریان دارد و در ورای پرده طبیعت و عناصر مادی، کم‌تر می‌توان حالات عاطفی یا تأمل ذهنی و نفسانی و مسایلی عاشقی جستجو کرد.

- در تصاویر غنایی او مضامین مختلف و متنوعی از قبیل وصف و ستایش، مدح و ذم، امید، آرزو و انتظار، یأس، شکوه، ناله و مفاخره و غیره با اصطلاحات علوم گوناگون مطرح و گاه با برهان‌سازی‌های شاعرانه یا تصاویر متضاد و متناقض مزین گردیده است.

- تصویرهای ترکیبی و تلفیقی در محور افقی خیال باعث شیوع پاره‌ای معانی و مضامین مشترک به صورت کلیشه‌ای خاص از قبیل لعل، سرو، گل، ماه و کمند برای لب، قامت، صورت و زلف، گردیده و تلاش در این زمینه صرفاً در شیوه ترکیب و تلفیق صورخیال، بازمانده از میراث گذشتگان منحصر گشته است.

فخرالدین اسعد تراحم یا فشردگی تصاویر او غالباً به صورت تشبیه بلیغ یا اضافه استعاری نمود یافته، زیرا او تصویر را وسیله‌ای برای القای معانی ذهنی خود می‌داند و برای تزئین ابیات و اشعار خود به کار نمی‌برد.

بلاغت تصویر در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی □ ۱۴۹

- یکی از خصوصیات برجسته شعر فخرالدین اسعد، جدول تفضیلی تصاویر شعری اوست که اغلب در فضای چند مصراع یا بیت، یک تصویر با تمام جزئیات آن ارائه می‌شود این خلق تصویر به خاطر تصویر حاصل یک تأمل و تجربه خاص در زمانی کوتاه است.

نتیجه

فخرالدین اسعد در منظومه ویس و رامین، تصاویر را در خدمت بیان موضوع غنایی قرار داده است و کاربرد صورخیال ناشی از تخیل نیرومند سراینده است و نشأت گرفته از آشنایی با فنون و رموز زیبایی ساز سخن است. فخرالدین اسعد توانسته است علاوه بر توصیفات و تصویرسازی‌های هنرمندانه از هنرهای بیانی در منظومه ویس و رامین بهره ببرد و نیز به برخی دیگر از صنایع بدیعی نیز توجه داشته است. با تأمل در ویس و رامین می‌توان گفت که استفاده از صورخیال در شگردهای بیانی و گاه در عناصر بدیعی در خلق معانی و تقویت مفاهیم ویس و رامین نقش اساسی دارند و کلام فخرالدین اسعد در توصیفات به اقتضای حال و مقام گاه با لطافت و نرمی همراه می‌شود و آنجا که مضامین عاشقانه و غنایی در میان است با استفاده از تصاویر بلاغی عشق را می‌توان در کلامش حس نمود میان اندیشه‌های اعتقادی و اجتماعی فخرالدین اسعد و شیوه‌های بلاغی پیوستگی وجود دارد که بررسی آن می‌تواند سبک و سیاق او را از دیگر شاعران ممتاز کنند.

منابع و مأخذ

- ۱- اسلامی ندوشن، محمدعلی. از رودکی تا بهار. تهران: انتشارات نغمه زندگی، ۱۳۸۳.
- ۲- پورنامداریان، تقی. سفر در مه. تهران: انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۳- تجلیل، جلیل. شرح درد اشتیاق. تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۷.
- ۴- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صورخیال در شعر فارسی. تهران: انتشارات آگاه، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.
- ۵- شمس قیس رازی. المعجم فی المعاییر اشعار عجم. تصحیح محمد قزوینی و مدرس رضوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.
- ۶- شمیسا، سیروس. نگاهی تازه به بدیع. تهران: انتشارات فردوسی، چاپ دهم، ۱۳۷۸.
- ۷- فتوحی، محمود. بلاغت تصویر. تهران: نشر سخن، ۱۳۸۶.
- ۸- فخرالدین اسعد گرگانی. ویس و رامین. تصحیح محمد روشن، تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۱.
- ۹- فروزانفر، بدیع الزمان. سخن و سخنوران. تهران: انتشارات خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۵۰.
- ۱۰- محمدعوفی. مقدمه و تصحیح علامه قزوینی. تهران: انتشارات کتاب فروشی فخر رازی، ۱۳۶۱.
- ۱۱- همایی، جلال‌الدین. معانی و بیان. تهران: نشر هما، ۱۳۷۳.